

**Assessing the paradigmatic foundations of the post-revolutionary
Iran parties
(Case-study: Islamic Republic party, Kargozaran party)**

Mohammadtaghi Iman*
Mansoor Tabiee**
Sina Aminizadeh***

Received: 2019/11/02
Accepted: 2020/01/21

Parties are key players in political competition and elections. Parties can influence the orientation and vision of individuals and groups and thus be effective in governing the country. For this reason, the authors of this article analyze the paradigmatic foundations of post-revolutionary Iran parties. Their purpose is to analyze the current political situation as well as analyze future trends. Researchers have selected two parties for the case-study: Jomhoori Eslami (Islamic Republic) party and Kargozaran party. In this regard, the authors have used case-study. The research method is qualitative content analysis and they use MAXQDA 12 software. The results show that the Kargozaran have been based more on the interpretive paradigm foundations, while the Islamic Republic party has been more critical. We also see a lack of a program based on a particular paradigm in both parties.

Keywords: Case-study, I.R. Iran, Islamic Republic party, Jomhoori Eslami, Kargozaran party, MAXQDA, Party, Qualitative analysis.

* Professor of Social science at Department of Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, I.R.Iran. iman@shirazu.ac.ir

** Assistant Professor of Social Science at Department of Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, I.R.Iran. tabiee46@gmail.com

*** Ph.D student in Political Sociology at Shiraz University, Shiraz, I.R.Iran (Corresponding author). sinaaminizadeh@yahoo.com

ارزیابی مبانی پارادایمی مرامنامه احزاب ایران بعد از انقلاب اسلامی (مطالعه موردی: حزب جمهوری اسلامی و حزب کارگزاران)^۱

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۰۱

مقاله برای بازنگری به مدت ۲۶ روز نزد نویسندگان بوده است.

محمدتقی ایمان*

منصور طبعی**

سینا امینی زاده***

چکیده

وجود احزاب در فضای سیاسی کشورها بسیار ضروری است. احزاب خصوصاً در عرصه انتخابات اهمیت بسزایی دارند زیرا به نوعی جهت‌گیری سیاسی و خط‌مشی عملی افراد برخاسته از احزاب در امور مملکت‌داری نشان می‌دهد که نشأت گرفته از جهان‌بینی و اصول فکری حزب آنها است. لذا پژوهش حاضر تلاشی به منظور تحلیل مبانی فکری و پارادایمی دو حزب مطرح بعد از انقلاب (جمهوری اسلامی، کارگزاران) است. جامعه آماری پژوهش تمام احزاب ثبت شده در وزارت کشور تا سال نود و هفت می‌باشد که دو حزب طبق نظر نخبگان انتخاب گردیده‌اند. روش بررسی، تحلیل محتوای کیفی با رویکرد جهتدار (تلخیصی) است که از نرم‌افزار maxqda دوازده برای تحلیل استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد سهم پارادایم تفسیری در هر حزب کارگزاران و پارادایم انتقادی در حزب جمهوری اسلامی بیشتر از سایر ابعاد پارادایمی است همچنین شاهد عدم وجود یک برنامه مدون بر اساس یک پارادایم خاص در حزب هستیم بلکه ملغمه‌ای از عناصر پارادایمی (تفسیری، انتقادی و تفسیری) در تدوین مرامنامه‌های احزاب وجود دارد.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، تحزب، تحلیل محتوا، حزب، حزب جمهوری اسلامی، حزب کارگزاران، مطالعه موردی، مکس کیودا.

* استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه شیراز، شیراز، جمهوری اسلامی ایران. iman@shirazu.ac.ir

** استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه شیراز، شیراز، جمهوری اسلامی ایران. tabiee46@gmail.com

*** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

sinaaminizadeh@yahoo.com

مقدمه

بیان مسئله: این واقعیت که احزاب به دلیل اهمیت کارکردشان توانسته‌اند در عمده نظام‌های سیاسی برای خود جایگاهی مهم به دست آورند؛ با توجه به بررسی تاریخ تحول سیاسی در عمده جوامع تأیید می‌گردد (نک. کریمی مله، ۱۳۸۰، صص. ۵-۳). بر این اساس می‌توان ادعا نمود که احزاب علی‌رغم تغییراتی که در معنا و کارکرد تجربه نموده‌اند، هنوز هم نقش محوری در مدیریت تغییرات سیاسی - اجتماعی را دارند. به همین خاطر مسئله اصلی نوشتار حاضر را، بررسی تحلیلی مرامنامه‌های حزبی در ایران به منظور یافتن تصویری جامع از تغییرات جامعه ایران شکل می‌دهد.

اهمیت: ورود تحلیلی به مرامنامه احزاب، گذشته از اهمیت نظری که در شناخت ماهیت احزاب دارد؛ از حیث کاربردی نیز حائز اهمیت می‌باشد؛ چرا که امکان گمانه‌زنی در خصوص رفتار آتی ایشان را افزایش داده و از این حیث به مدیریت سالم و کارآمد تحولات سیاسی در جامعه کمک می‌نماید.

ضرورت: کم‌توجهی و یا بی‌توجهی به مبانی پارادایمی احزاب، می‌تواند از طریق بروز انحراف در تحلیل راهبردی احزاب، زمینه بروز تعارض و تخاصم در جامعه را افزایش دهد (ایمان، ۱۳۹۲، ص. ۹).

اهداف: هدف اصلی این پژوهش کمک به تقویت گفتمان تحزب در ایران از طریق تحلیل و آسیب‌شناسی معرفتی، هویتی و عملکردی احزاب است. افزون بر این، ارائه تصویری جامع از احزاب موجود در ایران و همچنین کمک به فهم بهتر برنامه‌های حزبی، به عنوان اهداف فرعی مدنظر می‌باشند.

سؤال‌ها: پرسش اصلی پژوهش حاضر عبارتست از: مختصات پارادایمی مؤلفه‌های سیاسی در مرامنامه‌های احزاب در ایران چیست؟ در این خصوص، از گونه‌شناسی احزاب، و انواع رویکردهای حاکم بر شناخت و مدیریت احزاب، به عنوان سؤال‌های فرعی نیز بحث شده است.

۱. پیشینه تحقیق

مطالعات مربوط به احزاب در ایران بیشتر ناظر بر ابعاد تاریخی و کاربردی است و از منظر تحلیل مبانی کمتر به آن پرداخته شده است. از این منظر مجموع مطالعات موجود را می‌توان در دو گروه اصلی دسته‌بندی نمود:

۱-۱. پژوهش‌های با رویکرد کارکردی

عباس‌زاده (۱۳۹۲) به بررسی تأثیر توسعه‌نیافتگی احزاب بر ناکارآمدی توسعه سیاسی پرداخته و نتیجه می‌گیرد که شکل‌گیری احزاب در دوره پهلوی دوم به صورت طبیعی و خودجوش نبوده بلکه از بالا و به صورت فرمایشی بوده است. نقیب‌زاده (۱۳۸۸) به ارزیابی فعالیت‌های حزبی ایران بعد از انقلاب پرداخته است. وی نتیجه می‌گیرد احزاب در ایران پس از جمهوری اسلامی مستند به نظریه هانتینگتون، طبق جهان‌بینی نوسازی شکل گرفته‌اند. ارجمند (۱۳۹۵) با رویکردی توصیفی - تحلیلی به بررسی رابطه احزاب و ثبات سیاسی پرداخته و نتیجه می‌گیرد که بین ادبیات احزاب و ثبات سیاسی رابطه معناداری وجود دارد.

۲-۱. پژوهش‌های با رویکرد معرفتی

برخی از نویسندگان معتقدند تغییر در نظام سیاسی و ساختارها، ناشی از احزاب و خط‌مشی آنها است. برای مثال نوع پیوند با احزاب یکی از عوامل مهم تغییر در ساختار سیاسی است که در انتخابات مجلس تایلند در سال ۲۰۰۱ قابل مشاهده است (Ockey, 2014). این در حالی است که عده‌ای دیگر به بررسی تحلیلی مرزهای احزاب پرداخته و معتقدند که احزاب خط‌مشی‌های خود را در پشت صحنه دارند و سپس آنها را به گونه‌ای مطلوب در جلوی صحنه در معرض اجرا می‌گذارند (Ringel, 2018).

۲. مبانی مفهومی و نظری

با توجه به نقش محوری «حزب» و «رویکرد تحلیل پارادایمی»، در این قسمت به بررسی این دو مبنا می‌پردازیم:

۲-۱. حزب

حزب عبارتست از اجتماع سازمان یافته گروهی از افراد جامعه که بر اساس اصول معینی که مورد تأیید همه آنها با یکدیگر متحده شده و برای حفظ و توسعه منافع نظام سیاسی می‌کوشند (رضایی، ۱۳۸۶، ص. ۱۸).

۲-۲. پارادایم

«پارادایم» عبارتست از چارچوب فکری کلان و منسجمی که دارای مقبولیت نسبی نزد مخاطبان بوده و دربردارنده طیف متنوعی از نظریه‌های متناسب به عنوان دستاورد در حوزه‌ای معین است. (ایمان، ۱۳۹۲، صص. ۶۵-۶۳).

۲-۳. رویکرد حزبی

در مقام شناسایی و تحلیل احزاب، سه رویکرد اصلی پیشنهاد شده که عبارتند از:

الف. احزاب با رویکرد اثباتی (ساختارگرایانه)

در اثبات‌گرایی^۲ مسیر ورود به واقعیت اجتماعی را به مثابه واقعیت طبیعی طراحی و بازگشایی می‌کند. در این مسیر سعی بر این است که نظریه علمی جهت توضیح و تبیین واقعیت اجتماعی با کمک قوانین ساخته شود. شناخته‌شده‌ترین نظریات علمی متکی بر پارادایم اثبات‌گرایی را می‌توان در چارچوب‌های کارکردگرایی و کارکردگرایی ساختی^۳، نظریه انتخاب عقلانی^۴، نظریه مبادله^۵ و نظریه‌های رفتارگرایی مشاهده نمود (ایمان، ۱۳۹۲، ص. ۴۵).

احزاب با رویکرد اثباتی تأکید بر ساختار و نهاد دارند. گروهی از نظریه‌پردازان هم تأکید بر سازمان دارند. در این دسته از مطالعات، سازمان حزبی در درجه اول اهمیت قرار دارد و فصل ممیز احزاب از دیگر سازمان‌ها و گروه‌های پیشین را ساختار تشکیلاتی و سازمان حزبی تشکیل می‌دهد. با این وجود، سازمان حزبی نزد این محققان به گونه‌های مختلف و گاه متضاد، مورد ارزیابی قرار گرفته است. جمعی چون «روبرت میخلز»^۶، آن را وسیله‌ای برای به استبداد انجامیدن احزاب شمرده‌اند (ایوبی، ۱۳۷۹، ص. ۵۴). نویسندگان دیگری چون اِلدِر سولد در عین اینکه در مطالعات خود بر نقش سازمان حزبی تأکید می‌ورزند، آن را ذاتاً دموکراتیک دانسته و بر این عقیده‌اند که

سازمان حزبی بر روی همگان گشوده است و در نتیجه ماهیتی غیراستبدادی دارد (Eldersveld, 1964, p. 13).

جدول شماره (۱): احزاب با رویکرد اثباتی (ساختارگرایانه)

رویکرد	نوع حزب	ویژگی‌های حزب	تحلیل‌گران
ساختارگرایی	کادر، نهادی، راست (محافظه‌کار، فاشیسم)، عوام، خواص، کلوپ‌ها، فراگیر	تأکید بر ساختار (جبر ساختاری)، تأکید بر نهادگرایی، تأکید بر، سازمان، سلسله‌مراتب، فن‌سالاری، انسجام، سازمانی، عضویت رسمی، عدم وابستگی به رهبر و شخص، گستردگی محیطی و فراگیر بودن، ایجاد انضباط، سامان‌دهندگی و پیش‌بینی، تأکید بر قواعد و قوانین کلی، فرهنگ ساختاری	میخلز، شارلت، لاوسون، بوردیو

(طراحی توسط نویسندگان)

ب. احزاب با رویکرد انتقادی (خاستگاه اجتماعی)

رویکرد انتقادی به دنبال توانمندی انسان در فائق آمدن بر محدودیت‌های ناشی از نژاد، طبقه و جنسیت در جامعه است. محقق انتقادی به دنبال مطالعه علمی نهادهای اجتماعی و تحولات آنها از طریق تفسیر معانی زندگی اجتماعی، خصیصه تاریخی سلطه، بیگانگی، تعارضات اجتماعی، نقد اجتماعی و آگاهی کاذب است (ایمان، ۱۳۹۲، ص. ۴۰). انتقادی‌ها در باب بررسی احزاب تأکید بر خاستگاه اجتماعی دارند. برخی بر این عقیده‌اند که نقطه آغازین مطالعات جامعه‌شناسانه حزب را باید در تحلیل‌های مارکس^۷ جستجو نمود. زیرا وی برای نخستین بار به بررسی پایگاه اجتماعی جریان‌های مختلف سیاسی موجود در جمهوری دوم فرانسه پرداخت و نشان داد که جناح‌های موجود نمادهایی از کشمکش‌های نهفته در متن جامعه فرانسوی می‌باشند. در واقع رویکرد خاستگاه اجتماعی به دنبال تبیین شکاف‌های اجتماعی و به دنبال کشمکش‌های اجتماعی است که چگونه کشور هائمی توانند از شکاف‌های اجتماعی به احزاب برسند؟ (ایوبی، ۱۳۷۹، ص. ۶۶).

جدول شماره (۲): احزاب با رویکرد انتقادی (خاستگاه اجتماعی)

رویکرد	نوع حزب	ویژگی‌های حزب	تحلیل‌گران
خاستگاه اجتماعی	نژادی، جنسیت (فمینیستی)، کارگری، انقلابی، چپ (سوسیال، دموکرات) فاشیست، کمونیست، آزادی‌خواه، پیشرفت، اجتماعی، اتحاد مردم	توانمندسازی، فائق آمدن بر محدودیت، نقد اجتماع، تأکید بر تعارضات، آگاهی راستین و کاذب، پیکارهای برخاسته از درون جامعه، شکاف‌های اجتماعی، تصاحب قدرت، استفاده از اعتراض، براندازی ساختار و نهاد، تغییرخواهی، هدفمند، ترقی‌خواه، انسان خلاق، در عین حال مجبور، برابرطلب، منافع طبقاتی	لویی سیلر، کارل مارکس

(طراحی توسط نویسندگان)

پ. احزاب با رویکرد تفسیری (خرد)

در رویکرد تفسیری به‌جای اصالت ابزار و ورود ابزاری به دنیای اجتماعی جهت توصیف کمی‌گرایانه از آن، جهت‌گیری عملی دنبال می‌شود. مردم به صورت عملیاتی و در قالب زندگی روزمره دنیای اجتماعی را تولید و بازتولید می‌کنند. دستیابی به این دنیا که به صورت کاملاً عملی‌کنش‌محور ساخته شده است جز از طریق درگیری عملی محقق در زندگی روزمره امکان‌پذیر نیست. در این حالت است که محقق یک ابزار انسانی تحقیق به شمار می‌آید (ایمان، ۱۳۹۲، ص. ۴۵). در این ارتباط باید از اول همه به آقای ماکس وبر^۱ اشاره داشت. او چند نوع حزب را در نظام‌های مختلف، در پاسخ به این سؤال که حزب چه کسانی را نمایندگی می‌کند، معرفی نمود: حزب نخبگان و حزب توده‌های مردم. حزب نخبگان مربوط به دوره پیشامدرن است، دوره‌ای که این نوع بر مبنای «اصول پیش - سیاسی» سازمان‌دهی شده است. حزب نخبگان یعنی، افراد شایسته و برجسته بر مبنای اقتدار اجتماعی‌شان، اثرگذاری‌شان، امکانات و منابع مالیشان به سیاست به‌عنوان «فعالیت ثانویه» توجه دارند. گرچه ساختار درونی این نوع احزاب بر پایه نمایندگانی انتخاب‌شده به وسیله رأی‌گیری عمل نمی‌کند اما در برخی از انواع آنها اعتماد، بر پایه پذیرش جایگاه کسب‌شده‌شان در سلسله‌مراتب جوامع محلی و نقش رهبریشان وجود دارد. در واقع، تفاهم آنها بر اساس اعتماد بین فردی است.

جدول شماره (۳): احزاب با رویکرد تفسیری (خرد)

رویکرد	نوع حزب	ویژگی های حزب	تحلیل گران
تفسیری	مذهبی (مسیحی، یهود...)، کنگره‌ای، قومی، انتخاباتی، سبز، زیست بومی، سالمندان، نخبگان	محلی (قومی، مذهبی) مبتنی بر تفسیر، نماد اولیه (مذهبی، دینی)، انسان‌محور، تعامل محور، تأکید بر معنا، باور، عقیده، کنش مبتنی بر باور و تفسیر، نسبی‌گرایی (در ساختار و نهاد) جاذبه شخصی (کاریزما)، معانی مشترک (دینی، قومی، محلی و...)، کمتر ساختاری، سرمایه فردی	ماکس وبر، کاوپی، هروویتز، دیاموند

(طراحی توسط نویسندگان)

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کاربردی بوده و تحقیقی کیفی به حساب می‌آید. تحقیق کیفی بیشتر توجه بر نظریه‌پردازی دارد تا اینکه نظریه‌آزمایی پردازد. (ایمان، ۱۳۹۲، ص. ۱۷). البته ارتباط با مفاهیم حساس به منزله دریافت یک نقشه راه است که محقق از بستر و میدان تحقیق به دست می‌آورد. در این پژوهش جهت‌دار بودن منوط به پیگیری مفاهیم پارادایمی در اساسنامه‌ها و برنامه‌های احزاب به معنای ایجاد ارتباط با مفاهیم حساس می‌باشد. در واقع ارتباط پارادایم‌های حاکم بر برنامه‌های احزاب و ادبیات و شیوه بیان برنامه‌های احزاب را پرسشی است که مدنظر پژوهش است.

۳-۱. جامعه آماری و نمونه

جامعه آماری این پژوهش را تعداد ۲۴۰ حزب ثبت شده در اداره کل سیاسی وزارت کشور به سال ۱۳۸۹، احزاب مهم و مطرح قبل از انقلاب اسلامی، و مواردی که نخبگان سیاسی بر عملکرد حزبی آنها - علی‌رغم نداشتن به عنوان رسمی - تأکید دارند؛ شکل می‌دهد. برای رسیدن به جامعه نمونه، نسبت به دسته‌بندی کلی و انتخاب نمایندگان جریان‌های کلی حزبی اقدام شده که در نهایت ۱۶ مورد، انتخاب و موضوع تحقیق قرار گرفته‌اند که عبارتند از: مهندسان ایران، مدرسین دانشگاه‌ها، جمهوری اسلامی،

روحانیت مبارز، مؤتلفه اسلامی، کارگزاران اسلامی، انصار حزب‌الله، اعتدال و توسعه، مشارکت اسلامی، تحکیم وحدت، جامعه مهندسين، جامعه زنان، دانشگاهیان ایران، مردم‌سالاری، اعتماد ملی، مجاهدین انقلاب.

۲-۳. طراحی و تکمیل پرسش‌نامه

در این پژوهش دو پرسشنامه تهیه شده است. در نوبت اول، احزاب مورد نظر برای تحلیل و شاخص‌ها مستند به نظر نخبگانی نهایی شده است. در این مرحله ۶ شاخص پیشنهاد و نهایی گردیده که عبارتند از: داشتن چهره شاخص، تقویت بر مشارکت، کادرسازی، تربیت نیروی انسانی، نشر روزنامه و واسطه‌گری. در مرحله دوم، امتیاز احزاب شانزده گانه در ۶ محور بالا، مشخص شده است. برای این منظور ۱۲ نفر از نخبگان انتخاب و پرسش‌نامه را تکمیل کرده‌اند. انتخاب رقم ۱۲ مستند به دیدگاه تخصصی در این حوزه بوده که کارشناسان حضور ۱۲ نفر در کارگروه دلفی را مناسب می‌دانند.^۹ برای کدگذاری و تحلیل آنها نیز از نرم‌افزار MAXQDA 2018 (12) استفاده شده است.

لازم به ذکر است که اعضای کارگروه نخبگی دلفی، با توجه به شاخص تخصص و دسترسی بودن از دو دانشگاه شیراز و کرمان به شرح جدول شماره (۴) انتخاب شده‌اند:

جدول شماره (۴): اعضای نخبگان در مرحله دلفی

ردیف	نام خانوادگی	تخصص	میزان آشنایی با حزب	مسئولیت
۱	بهرام اخوان کاظمی	دکتری علوم سیاسی	مؤلف کتاب و مقاله در حوزه احزاب	استاد دانشگاه شیراز
۲	خلیل‌الله سردارنیا	دکتری علوم سیاسی	مؤلف کتاب و مقاله در حوزه احزاب	استاد دانشگاه شیراز
۳	سید جواد صالحی	دکتری علوم سیاسی	مؤلف مقاله در حوزه احزاب	دانشیار دانشگاه شیراز
۴	محمد تقی ایمان	دکتری جامعه‌شناسی	مؤلف مقاله در حوزه سیاست و احزاب	استاد دانشگاه شیراز
۵	داریوش بوستانی	دکتری	مؤلف مقاله در حوزه	دانشیار دانشگاه کرمان

ردیف	نام خانوادگی	تخصص	میزان آشنایی با حزب	مسئولیت
		جامعه‌شناس	سیاست	
۶	منصور طبیعی	دکتری جامعه‌شناس	مؤلف مقاله در حوزه احزاب و سیاست	استادیار دانشگاه شیراز
۷	مظفر حسنونند	دانشجو دکتری	مؤلف مقاله و کتاب در حوزه سیاست و احزاب. فعال حزبی	دانشگاه شیراز
۸	ابراهیم عباسی	دکتری علوم سیاسی	مؤلف مقاله در حوزه احزاب	دانشگاه شیراز
۹	فرشاد کرمی	دانشجو دکتری	فعال در حوزه احزاب	دانشگاه شیراز
۱۰	یوسف قرشی	دکتری علوم سیاسی	مؤلف مقاله در حوزه احزاب	استادیار دانشگاه شیراز
۱۱	عبدالله شاه حسنی	دانشجو دکتری	فعال در احزاب	دانشگاه شیراز
۱۲	محسن شکری	دانشجو دکتری	مؤلف مقاله در حوزه سیاست. فعال حزبی	دانشگاه شیراز

۴. تحلیل یافته‌ها

از رهگذر تحلیل نظرات کارشناسی، پژوهشگر در این مقاله به دو دسته از تحلیل‌ها رسیده است:

۴-۱. تحلیل کلان

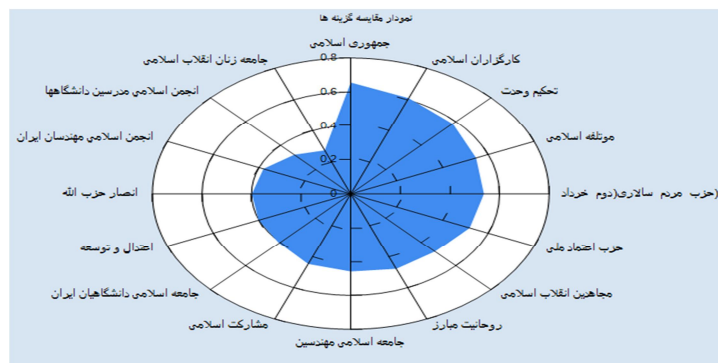
نتایج تحقیق در سطح کلان حکایت از آن دارد که احزاب مورد پژوهش از محیط زیست میزان نزدیکی به شاخص‌های شش‌گانه این تحقیق، ضرایب نزدیکی‌ای یکسان و مشابه‌ای ندارند. به عبارت دیگر می‌توان طیف متنوعی از رویکردهای حزبی را شناسایی نمود که در این میان احزاب جمهوری اسلامی با ضریب ۶۵۵/، کارگزاران با ضریب ۶۱۰/، تحکیم وحدت با ضریب ۵۸۱/، مؤتلفه با ضریب ۵۴۷/ به عنوان چهار حزب رتبه بالا به حساب می‌آیند (نک. جدول شماره ۵).

جدول شماره (۵): رتبه‌بندی احزاب بر اساس ضریب نزدیکی

رتبه	حزب	ضریب نزدیکی
۱	جمهوری اسلامی	۰/۶۵۵
۲	کارگزاران	۰/۶۱۰
۳	تحکیم وحدت	۰/۵۸۱
۴	مؤتلفه	۰/۵۴۷

وضعیت سایر احزاب به شرح ذیل است (نک. نمودار شماره ۱):

نمودار شماره (۱): راداری رتبه‌بندی احزاب بر اساس ضریب نزدیکی



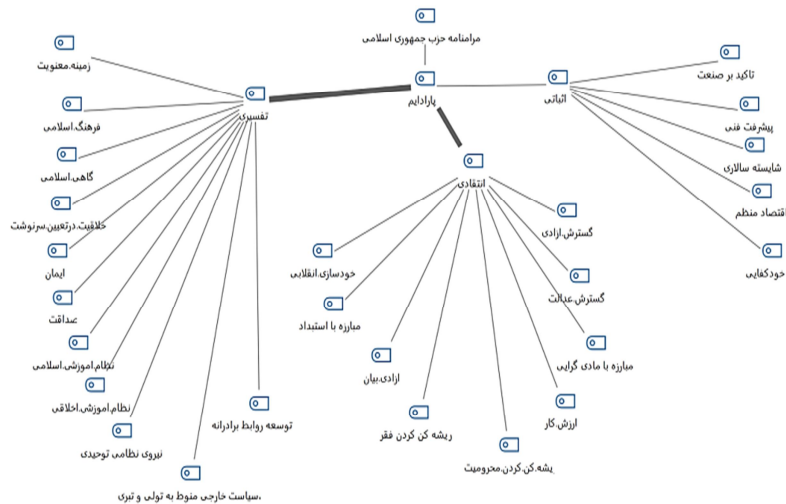
۴-۲. مطالعه موردی

با توجه به موقعیت متمایز دو «حزب جمهوری اسلامی» و «حزب کارگزاران» در جدول رتبه‌بندی‌ها، در این قسمت تحلیل تفصیلی مبانی پارادایمی این دو حزب آورده می‌شود.

الف. حزب جمهوری اسلامی

با توجه به رویکردهای سه‌گانه تفسیری، اثباتی و انتقادی، می‌توان وضعیت جهت‌گیری مرامنامه این حزب را به صورت زیر نمایش داد (نک. نمودار شماره ۲):

نمودار شماره (۲): تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار مرامنامه حزب جمهوری اسلامی ایران



نمودار فوق نمایش دهنده مفاهیم حزب است که در قالب سه رویکرد پارادایم علم آورده شده است که به تفکیک در زیر گزارش شده‌اند.

جدول شماره (۶): تحلیل محتوای کیفی مرامنامه حزب جمهوری اسلامی

رویکرد	فراوانی	درصد فراوانی
اثباتی	۵	٪۹
انتقادی	۲۶	٪۴۷
تفسیری	۲۴	٪۴۴
مجموع	۵۵	٪۱۰۰

طبق نتایج میزان فراوانی کلی در مرامنامه حزب جمهوری اسلامی ایران ۵۵ مورد است که حدود ۲۶ مورد معادل ۴۷ درصد از مفاهیم دارای جهت‌گیری انتقادی است که شامل بیشترین میزان فراوانی است همچنین مفاهیمی با رویکرد تفسیری با میزان فراوانی ۲۴ مورد معادل ۴۴ درصد در مرتبه دوم و رویکرد اثباتی با فراوانی ۵ مورد فراوانی در جایگاه آخر قرار گرفته است.

جدول شماره (۷): مفاهیم اثباتی مرامنامه حزب جمهوری اسلامی ایران

مرامنامه حزب جمهوری اسلامی ایران	
پارادایم اثباتی (رویکرد ساختارگرایانه)	
صنعتی شدن	
پیشرفت فنی	
استفاده از افراد حاذق و تکنوکرات	کدها
نظم	
هماهنگی	

طبق نتایج حاصل از بررسی در بخش اثباتی ما با مواردی چون صنعتی شدن، پیشرفت فنی و تأکید بر استفاده از افراد حاذق و شایسته شده است که مفهوم اثباتی از آنها قابل درک است. همچنین در مرامنامه شاهد استفاده از عنوان اقتصاد منظم و رسیدن به خود کفایی اقتصادی و هماهنگ هستیم در واقع اصطلاحات نظم و هماهنگی دارای بیانی اثبات‌گرایانه هستند.

جدول شماره (۸): مفاهیم انتقادی مرامنامه حزب جمهوری اسلامی ایران

مرامنامه حزب جمهوری اسلامی ایران		
پارادایم انتقادی (رویکرد خاستگاه اجتماعی)		
طبقات	آزادی بیان اجتماعات	
ایجاد عدالت	پایان استعمار غرب	
ارزشمندی کار موجب شکوفایی	نفی استثمار	کدها
نابرابری	مبارزه با مادی‌گرایی	
ریشه‌کن کردن محرومیت	ریشه‌کن کردن فقر	

در ادامه ما با اصطلاح‌هایی چون خودسازی انقلابی و مبارزه روبه‌رو هستیم. این مفاهیم باری کاملاً تحول‌خواه انتقادی دارند زیرا در پارادایم انتقادی رویکرد تحول‌خواه و تغییر طلب روبه‌رو هستیم که به نوعی تأکید بر تغییر کلی دارند. در ادامه مرامنامه با عناصری چون آزادی بیان اجتماعات، پایان استعمار حزب، نفی استثمار، مبارزه با ماده‌گرایی مواجه هستیم که همگی دارای رویکردی انتقادی و نفی‌گونه هستند. در مرامنامه حزب جمهوری اسلامی ایران با مفاهیمی چون ریشه‌کن کردن فقر و

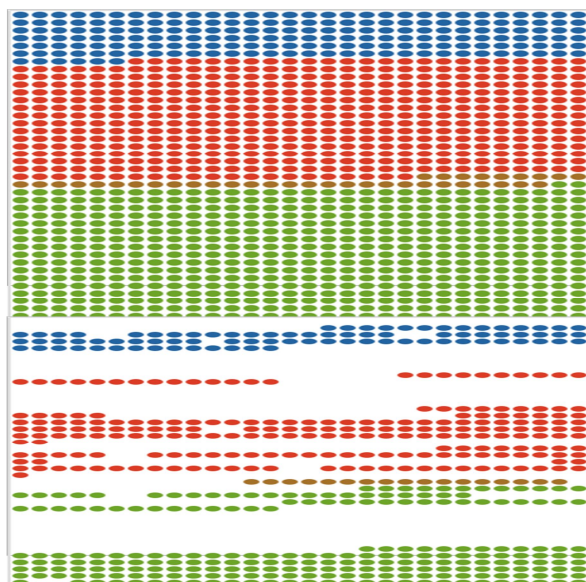
محرومیت، ایجاد عدالت در جامعه، ارزش قائل شده برای کاری که موجب رشد شود را شاهد هستیم تأکید بر رفع و فقر و محرومیت یادآور وجود طبقات و نابرابری در سطوح جامعه است که در رویکرد انتقادی تلاش برای رفع نابرابری و اجرای برابری نشان‌دهنده جنبه طبقاتی است که حاکی استفاده از رویکرد انتقادی دارد. البته عبارت اهمیت به ارزش کار در جهت رشد به نوعی دارای اختلاط پارادیمی است از آنجا که در اندیشه‌های چپ و مارکسیسم به ارزش کار خالص اشاره شده است و منظور از رشد، رشد فرد است اما در مرامنامه، رشد اقتصادی در نظر گرفته شده است که خلطی از انتقادی و اثباتی به چشم می‌خورد.

جدول شماره (۹): مفاهیم خرد (تفسیر) مرامنامه حزب جمهوری اسلامی ایران

مرامنامه حزب جمهوری اسلامی ایران		
پارادایم تفسیری (رویکرد خرد)		
نظام توحیدی	عدل	
روابط خارجی برادرانه	امامت	
خلاقیت در تعیین سرنوشت	صداقت	کدها
روابط مبتنی بر تولی	ایمان	
روابط مبتنی بر تبری	آگاهی اسلامی	

یکی از بیشترین عناصر استفاده شده در مرامنامه حزب جمهوری اسلامی هم از لحاظ فراوانی و هم تنوع شامل رویکرد تفسیری است در اساسنامه حزب جمهوری اسلامی ایران شاهد استفاده از عبارات چون عدل، امامت، ایمان و صداقت هستیم که کاملاً دارای بار ارزشی و تفسیری هستند. عباراتی چون آگاهی اسلامی، نظامی توحیدی، روابط خارجی منوط به برادری همگی دارای بار ارزشی و تفسیری هستند. عبارتی چون خلاقیت در تعیین سرنوشت و روابط مبتنی بر تولی و تبری به نوعی اشاره مستقیم به رویکرد خرد و تفسیری دارد.

نمودار شماره (۳): فراوانی تصویری portrait سند (مرامنامه حزب جمهوری اسلامی)



در آنالیز مرامنامه حزب جمهوری اسلامی ایران با نرم‌افزار maxqda به بررسی سند از لحاظ فراوانی با توجه به نقشه portrait پرداخته شده است. همان‌طور که نمودار سمت چپ نشان می‌دهد میزان فراوانی بعد خرد و تفسیری (رنگ سبز) بیشتر از ابعاد انتقادی (رنگ قرمز) و بعد اثباتی (رنگ آبی) است. همین میزان فراوانی در نمودار سمت راست نیز قابل مشاهده است با این تفاوت که در نمودار سمت راست کدهای سفید رنگ هم مشاهده می‌گردد که در قالب هیچ یک از ابعاد پارادایمی ما قرار ندارند.

جدول شماره (۱۰): فراوانی مفاهیم در سند مرامنامه (حداقل با دو تکرار)

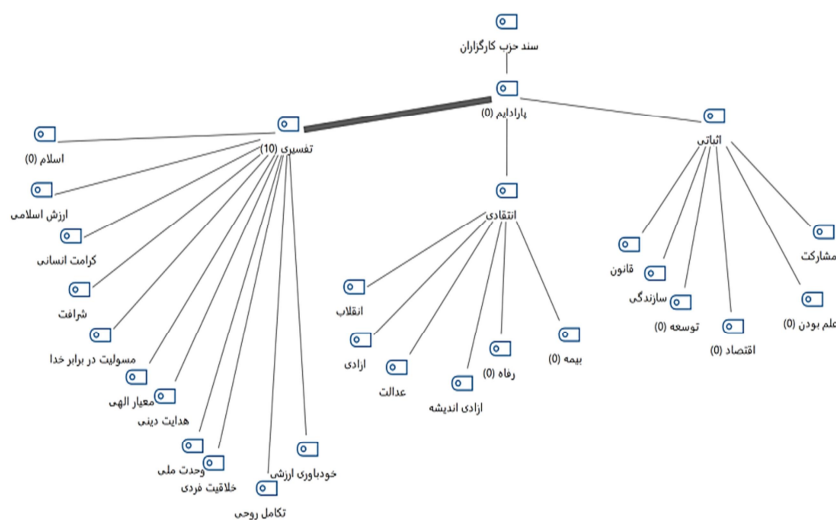
رتبه مفهوم در سند	درصد مفهوم در سند مرامنامه	فراوانی	مفهوم مستخرج
۱	۱۵.۵	۷	خلاقیت در تعیین سرنوشت
۲	۴۱.۴	۶	مبارزه با استبداد
۳	۶۸.۳	۵	خودسازی انقلابی
۴	۴۷.۱	۲	گسترش آزادی
۵	۴۷.۱	۲	ریشه‌کن کردن فقر
۷	۴۷.۱	۲	مبارزه با مادی‌گرایی

در بررسی سند با نرم افزار maxqda به اندازه گیری میزان فروانی مفاهیم با بیش از دو تکرار و درصد تکرار در کل سند به همراه رتبه مفهوم استخراج شده به وسیله word combination پرداخته شده است. همان طور که جدول نشان می دهد خلایقیت در تعیین سرنوشت با بیشترین میزان فروانی رتبه اول با درصد ۵ از ۱۰۰ در کل سند به خود اختصاص داده است و مبارزه با استبداد با فروانی ۶ مورد و درصد ۴ در جایگاه دوم قرار گرفته است در ادامه خودسازی انقلابی از دیگر مفاهیم استخراج شده در جایگاه سوم با درصد ۳ قرار گرفته است. مفاهیمی چون گسترش آزادی، ریشه کن کردن فقر و محرومیت، گسترش آزادی و مبارزه با مادی گرایی در رتبه های بعدی با درصد ۱ از ۱۰۰ قرار گرفته اند.

ب. حزب کارگزاران

با توجه به مؤلفه های سه گانه رویکردهای اثباتی، تفسیری و انتقادی؛ می توان جهت گیری مرامنامه این حزب را به صورت زیر نمایش داد:

نمودار شماره (۴): تحلیل محتوا کیفی مرامنامه حزب کارگزاران



در مرامنامه حزب کارگزاران ابتدا به بررسی و تحلیل رویکرد اثباتی می پردازیم. برای انجام تحلیل طبق روال از نرم افزار مکس کیودا استفاده شده است.

جدول شماره (۱۱): تحلیل محتوای کیفی مرامنامه حزب کارگزاران

درصد فراوانی	فراوانی	رویکرد
۲۷٪	۱۰	اثباتی
۲۶٪	۹	انتقادی
۴۸٪	۱۸	تفسیری
۱۰۰	۳۷	مجموع

طبق نتایج میزان فراوانی کلی در مرامنامه حزب کارگزاران ۳۷ مورد است که حدود ۱۰ مورد معادل ۲۷ درصد از مفاهیم دارای جهت‌گیری اثباتی است. همچنین مفاهیمی با رویکرد انتقادی با میزان فراوانی ۹ مورد معادل ۲۶ درصد در مرتبه سوم و رویکرد تفسیری با فراوانی ۱۸ مورد فراوانی در جایگاه اول قرار گرفته است که شامل بیشترین میزان فراوانی است.

جدول شماره (۱۲): مفاهیم اثباتی (ساختارگرایانه) مرامنامه حزب کارگزاران

مرامنامه حزب کارگزاران		
پارادایم اثباتی (رویکرد ساختارگرایانه)		
	قانون	
	سازندگی	
	توسعه	کدها
	علمی بودن	
	مشارکت	

بر اساس نتایج اصطلاحاتی چون قانون سازندگی، توسعه و علمی بودن مفاهیمی هستند که در مرامنامه حزب استفاده شده که دارای جهت‌گیری اثباتی هستند.

جدول شماره (۱۳): مفاهیم انتقادی (خاستگاه اجتماعی) مرامنامه حزب کارگزاران

مرامنامه حزب کارگزاران		
پارادایم اثباتی (رویکرد ساختارگرایانه)		
بیمه	انقلاب	
آزادی اندیشه	آزادی	
برابری	عدالت	کدها
آزادی بیان	رفاه عمومی	

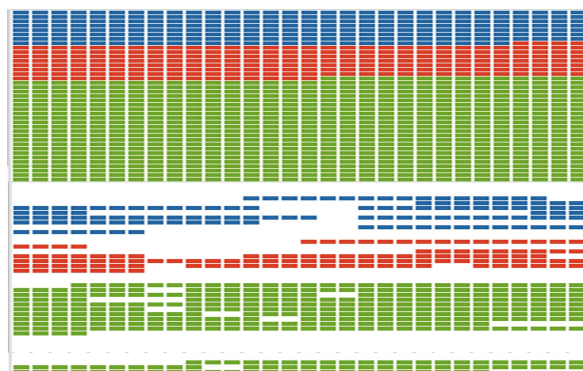
در ادامه روند تحلیل مرامنامه به بررسی مفاهیم انتقادی به کار برده شده در مرامنامه حزب کارگزاران پرداخته شده است تکرار و فراوانی مفاهیم بارویکرد انتقادی در مرامنامه مورد نظر حدوداً برابر با مفاهیم اثباتی است در اینجا مفاهیمی چون انقلاب، آزادی، عدالت، رفاه عمومی، بیمه عمومی، آزادی اندیشه، نیز به کار برده شده است که موارد فوق ذکر همگی دارای جهت‌گیری انتقادی هستند.

جدول شماره (۱۴): مفاهیم تفسیری (رویکرد خرد) مرامنامه حزب کارگزاران

مرامنامه حزب کارگزاران		
پارادایم تفسیری (رویکرد خرد)		
هدایت دینی و معیار الهی	ارزش اسلامی	
خلاقیت فردی	کرامت	
تکامل روحی	شرافت	کدها
خودباوری اسلامی	مسئولیت در برابر خدا	

در بررسی مفاهیم استفاده شده در مرامنامه احزاب رویکرد تفسیری و خرد نیز مورد توجه است در حزب کارگزاران مفاهیمی استفاده شده است که به نوعی دارای جهت‌گیری تفسیری هستند. مفاهیمی چون اسلام، ارزش، کرامت، شرافت، مسئولیت در برابر خدا، معیار الهی، هدایت دینی، خلاقیت فردی، تکامل روحی، خودباوری اسلامی از جمله مفاهیم به کار برده شده در مرامنامه حزب کارگزاران هستند که جهت‌گیری تفسیری و خرد آنها قابل درک است.

نمودار شماره (۵): فراوانی تصویری portrait سند (مرامنامه حزب کارگزاران)



در آنالیز مرامنامه حزب کارگزاران با نرم‌افزار maxqdo به بررسی سند از لحاظ فراوانی با توجه به نقشه portrait پرداخته شده است. همان‌طور که نمودار سمت چپ نشان می‌دهد میزان فراوانی بعد خرد و تفسیری (رنگ سبز) بیشتر از ابعاد انتقادی (رنگ قرمز) و بعد اثباتی (رنگ آبی) است. همین میزان فراوانی در نمودار سمت راست نیز قابل مشاهده است با این تفاوت که در نمودار سمت راست کدهای سفید رنگ هم مشاهده می‌گردد که در قالب هیچ‌یک از ابعاد پارادایمی ما قرار ندارند.

جدول شماره (۱۵): فراوانی مفاهیم در سند مرامنامه (حداقل با دو تکرار)

رتبه مفهوم در سند	درصد مفهوم در سند مرامنامه	فراوانی	مفهوم مستخرج
۱	۱۵.۰۰	۶	خلاقیت فردی
۲	۵.۱۲	۵	خودسازی انقلابی
۳	۵.۷	۳	انقلاب
۴	۱.۵	۲	آزادی
۵	۱.۵	۲	اسلامیت
۶	۱.۵	۲	قانون
۷	۱.۵	۲	مشارکت
۸	۱.۵	۲	توسعه

در بررسی سند با نرم‌افزار maxqdo به اندازه‌گیری میزان فراوانی مفاهیم با بیش از دو تکرار و درصد تکرار در کل سند به همراه رتبه مفهوم استخراج شده به وسیله word combination پرداخته شده است. همان‌طور که جدول نشان می‌دهد خلاقیت

فردی با فراوانی ۶ مورد و درصد ۱۵ دارای رتبه اول در مرامنامه حزب کارگزاران دارد همچنین خودسازی انقلابی با فراوانی ۵ مورد معادل ۱۲ درصد در رتبه دوم و مفهوم انقلاب با فراوانی ۳ مورد در سند دارای ۷ درصد و رتبه چهارم است. مابقی مفاهیم با فراوانی دو مورد دارای درصد ۵ و درای رتبه‌های بعدی هستند.

نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش ارزیابی پارادایمی احزاب در استفاده از پارادایم‌های علم برای تدوین مرامنامه حزبی است. بر این اساس از نتایج چنین برآورد می‌شود که در حزب جمهوری اسلامی شاهد تفوق جهان‌بینی انتقادی بر سایر جهان‌بینی‌ها و اصول فکری هستیم و در حزب کارگزاران نیز شاهد فراوانی بیشتر پارادایم تفسیری می‌باشیم البته این به معنی هم‌جهتی برنامه‌های عملیاتی احزاب با مرامنامه آنها نیست بلکه این امر مستوجب انجام تحقیقاتی جداگانه است. آنچه نتایج نشان می‌دهد فراوانی و تکرار مفاهیمی چون خلاقیت فردی و خودسازی انقلابی در مرامنامه حزب کارگزاران است حال اینکه در حزب جمهوری اسلامی همین خلاقیت اما در جهت تعیین سرنوشت دارای بیشترین فراوانی است. تأکید بر خلاقیت در دو حزب نشان بر اهمیت رویکرد تفسیری در تدوین برنامه احزاب دارد و از آنجایی که خلاقیت در تدوین برنامه افزایش یابد عواملی چون سلیقه و تجربه فردی نیز بیشتر توان مانور دادن در تدوین امور سیاسی را دارد. می‌توان گفت تقویت رویکرد تفسیری به نوعی بعد از انقلاب شکل گرفت زیرا رویکرد دینی در مقابل رویکرد تجددطلب با معنایی اثبات‌گرایانه غربی ظاهر شد (جمال‌زاده، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۱) در واقع تکیه بر برنامه‌های گوناگون چرخه‌ای در حکومت را می‌سازد که حکومت‌ها بر پایه شیوه‌هایی حال ابداعی، تقلیدی... امور را اداره و وظایف مشخصی را برای خود تعریف می‌کنند همچنین از منظر فرهنگی و سیاسی کشورهایی که دارای آموزه‌های دینی هستند و تنوع قومی دارند تحولات و درگیری‌های سیاسی بااهمیت‌تر است (غفاری، ۱۳۸۹، ص. ۲۲۰). به همین منوال کارکردهای حکومت نیز خلق سیاست‌ها، نظام سیاسی را شکل می‌دهند و مجدداً همین نظام سیاسی در شکل دادن ساختار سیاسی تأثیرگذار است. همچنین در حزب جمهوری اسلامی شاهد برتری محسوس مفاهیم انتقادی در تدوین مرامنامه هستیم که این امر خود نشان دهنده تفوق مفاهیمی چون تغییر و تحول است تا ایجاد نظم و هماهنگی.

نمودار شماره (۶): مقایسه دو حزب کارگزاران و جمهوری اسلامی



همان‌طور که نمودار هم نشان می‌دهد میزان فراوانی و استفاده از مفاهیم انتقادی در حزب جمهوری اسلامی بیشتر از سایر مبانی پارادایمی است و در حزب کارگزاران فراوانی مفاهیم تفسیری نسبت به سایر مفاهیم بیشتر است. البته شاهده استفاده از همه ابعاد پارادایمی و جهان‌بینی فکری در هر دو پارادایم هستیم و هیچ یک از پارادایم‌ها به نحوه مشخص از یک مبانی فکری استفاده نکرده‌اند. اما در دو حزب باید توجه داشت که دو پارادایم تحول‌خواه و خلاقیت‌طلب (انتقادی و تفسیری) بیشترین میزان فراوانی را دارا می‌باشند به همین امر می‌تون نتیجه گرفت در این دو حزب با توجه به جهان‌بینی آنها انتظار ایجاد مفاهیمی چون نظم، ثبات، کنترل را نمی‌توان داشت. همین عدم وجود جهان‌بینی و پارادایم مشخص در احزاب راه را برای دخالت‌های فردی و متناسب با آن نقدهای مغرضانه باز می‌کند از جمله اینکه منتقدان بیگانه و فرصت‌طلب همچنین منتقدان داخلی فرصت را غنیمت شمرده زیرا نقد منتقدان داخلی بسیار مخرب‌تر و نوعی اعتراف عاقل علیه خود است (برزگر، ۱۳۹۶، ص. ۱۳). البته قابل ذکر است بررسی میزان هماهنگی سطوح اجرایی برنامه‌های احزاب با مرانامه‌های آنها و برنامه منتقدان نیامند تحقیقات مجزا است.

یادداشت‌ها

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری به آدرس زیر است:
تحلیل محتوای کیفی مبانی پارادایمی برنامه های احزاب در ایران قبل و بعد از انقلاب، استاد راهنما اول دکتر محمدتقی ایمان، استاد راهنما دوم دکتر منصور طبعی، استاد مشاور اول دکتر محمدتقی عباسی شوازی، و استاد مشاور دوم دکتر اسفندیار غفاری نسب، دانشگاه شیراز، رساله دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشجو سینا امینی زاده.
2. Positivism
3. Functionalism
4. Rational Choice
5. Exchange
6. Robert Michels
7. Carl Marx
8. Max Weber
۹. معمولاً در این موارد کارشناسان بین ۷ تا ۱۲ نفر را توصیه می‌نمایند. در تحقیق حاضر تعداد حداکثری یعنی ۱۲ نفر انتخاب شده که توسط نویسندگان مانند مولن و یا فیلیپس، پیشنهاد شده است.

کتابنامه

- ارجمند، محمدجواد (۱۳۹۵). «رویکرد نظری به نسبت احزاب و ثبات سیاسی»، *مطالعات انقلاب اسلامی*. ۱۳(۲۴)، ۸۰-۶۱.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۲). *ارزیابی پارادایمی برنامه توسعه جمهوری اسلامی*. تهران: نشر حوزه و دانشگاه.
- ایوبی، حجت‌الله (۱۳۷۹). *پیدایش و پایایی احزاب سیاسی غرب*. تهران: نشر سروش.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۹۶). «انقلاب اسلامی و تمدن‌سازی؛ نقشه راه، مسیر رفته و مسیر باقی مانده». *مجله اندیشه اسلامی*. ۱۴(۹۶)، ۲۵-۷.
- جمال‌زاده، ناصر و کاظمی، محمدصادق (۱۳۹۴). «علت کاوی انشعاب جریان‌های سیاسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی»، *دوفصلنامه دانش سیاسی*. ۳(۲۱)، ۱۴۲-۱۱۳.
- رضایی، اسدالله (۱۳۸۶). *کالبدشناسی احزاب سیاسی*. تهران: نشر آمه.
- عباس‌زاده، مجید (۱۳۹۲). «عدم رشد احزاب و تأثیر آن در شکل‌گیری توسعه‌نیافتگی سیاسی دوره دوم پهلوی»، *مجله جستار سیاسی معاصر*. ۴(۳)، ۱۳۶-۱۱۵.
- غفاری هاشجین، زاهد؛ بیگی‌نیا، عبدالرضا و تصمیم قطعی، اکرم (۱۳۸۹). «عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان علوم سیاسی و فنی دانشگاه تهران»، *دوفصلنامه دانش سیاسی*.

کریمی مله، علی (۱۳۸۰). «پتانسیل‌های تبدیل رقابت به منازعه سیاسی در ایران»، مجله مطالعات ملی، ۳(۹)، ۴۹-۷۰.

نقیب‌زاده، احمد و سلیمانی، غلامعلی (۱۳۸۸). «نوسازی سیاسی و شکل‌گیری احزاب در جمهوری اسلامی ایران»، مجله سیاست، ۱۴(۱۲)، ۳۴۷-۳۶۸.

Eldersveld, S. J. (1964). Political parties: A behavioral analysis. 613.

Farrell, D. M. and Webb, P. (2000). Political parties as campaign organizations, *Parties without partisans: Political change in advanced industrial democracies*. 102-128.

Horowitz, D. L. (2001). *Ethnic groups in conflict, updated edition with a new preface*. Univ of California Press, 294.

Ignazi, P. (1996). "The crisis of parties and the rise of new political parties", *Party Politics*. 2(4), 549-566.

Ockev, J. (2003). "Change and continuity in the Thai political party system", *Asian Survey*. 43(4), 663-680.

Ringel, L. (2018). "Unpacking the Transparency-Secrecy Nexus: Frontstage and backstage behaviour in a political party", *Organization Studies*. 0170840618759817.